

حقوق متهم بعد از اثبات جرم در محاکم از منظر حقوق جزای افغانستان و اسناد بین الملل

مریم رضایی^۱

محمد عیسی عالمی^۲

چکیده

متهم شخصی است که در مظان ارتکاب جرم واقع شده؛ اما با آنکه جرم انتسابی به او محرز نشده، ولی در دادرسی کیفری، طرف اصل دعوا است. متهم در دادرسی جزایی حقوقی دارد که در تمام مراحل دادرسی جزایی، از سوی مراجع ذی ربط، باید مراعات شود. در این تحقیق، حقوق متهم بعد از اثبات جرم از منظر یاد شده در عنوان، بررسی می شود. حقوق داخلی افغانستان و اسناد بین المللی شباهت های زیادی در این زمینه دارد؛ اما ممکن است برخی تفاوت هایی در جزئیات وجود داشته باشد. از جمله تجدیدنظر در اصطلاح حقوق افغانستان در مورد احکام قطعی در ستره محکمه است، ولی تجدیدنظر مصطلح در اصطلاح قوانین سایر کشورها و مقررات بین المللی، مطلق اعتراض علیه احکام غیر نهایی محکمه تالی را شامل می شود که در محکمه عالی باید بررسی شود. تفاوت دیگر را می توان در مبنای هر دو مقررات داخلی و خارجی مشاهده کرد که مبنای حقوق متهم در اصطلاح حقوق افغانستان بیشتر رنگ و بوی شریعت دارد که بیشتر بر اساس فقه حنفیه تدوین شده، ولی حقوق متهم در مقررات بین المللی بیشتر ناشی از عقل و خرد انسانی است که محصول تلاش و تجربه دانشمندان و حقوق دانان معاصر مغرب زمین است. روش بحث در این تحقیق تحلیلی و توصیفی و داده های تحقیق با استفاده از روش کتابخانه ای جمع آوری شده است. این تحقیق با هدف تبیین حقوق متهم پس از اثبات جرم، در حقوق جزای افغانستان و اسناد بین المللی صورت گرفته است.

کلیدواژه ها: متهم، حقوق متهم، محکمه، حقوق جزای افغانستان، اسناد بین المللی، اثبات جرم

۱. گروه حقوق جزا و جرم شناسی، جامعه المصطفی العالمیه، کابل، افغانستان. (نویسنده مسئول)

۲. گروه فقه و حقوق، مجتمع عالی فقه و معارف اسلامی، جامعه المصطفی العالمیه، پروان، افغانستان.



مقدمه

مراد از حقوق متهم مزایا و امکاناتی است که متهم در محاکمات عادلانه و منصفانه از آن‌ها برخوردار بوده و مراجع ذی‌ربط دادرسی باید آن‌ها را رعایت کنند. این مزایا و امکانات به متهم کمک می‌کند که در مقابل اتهامی که برخلاف اصل برائت و بی‌گناهی است، از خود دفاع کند. دفاع از منافع جامعه نباید منجر به نادیده گرفتن حقوق متهمان گردد. (آشوری، ۱۳۷۶: ۱۱) به خاطر این مهم، متهم در قوانین کیفری کشورهای مختلف، دارای حقوقی تعریف شده است.

در افغانستان نیز متهم در مراحل کشف، تحقیق، محاکمه و پس از آن از حقوقی برخوردار است که در قانون اساسی، قانون اجرائات جزایی و سایر قوانین، پیش‌بینی شده است، ولی این حقوق چنانکه شایسته است، مورد توجه افراد جامعه نیست. مجریان قانون نیز آن‌طور که شایسته و لازم است، حقوق مجرم را رعایت نمی‌کنند. حقوقی که قانون برای مظنون، متهم و حتی مجرم قائل شده، به‌طور وسیعی نقض می‌شود؛ اما آنچه بسیاری از افراد نمی‌دانند، جزئیات و حتی کلیات قوانین افغانستان درباره حقوق متهم در مرحله بازداشت، تحقیق، محاکمه و پس از آن است. دانستن این قوانین برای همه ضروری است. اگر مأموران قضایی، امنیتی و عدلی بدانند که متهم از حقوق خود آگاه است، این احتمال وجود دارد که به دلیل نگرانی از شکایت بعدی، در نقض حقوق متهم بیشتر احتیاط کنند. از سوی دیگر متهم، با دانستن حقوق خود، بهتر می‌تواند در موارد تهدیدها و فریب‌های مأموران امنیتی و قضایی مقاومت کند. هم‌چنین متهم با دانستن حقوق خود می‌تواند تأثیر اظهارات و اعترافات خود را در نوع و میزان حکم صادره پیش‌بینی کند.

در تحقیق حاضر سعی شده ضمن تعریف متهم، مجرم و حقوق، به تبیین حقوق پیش‌بینی شده متهم بعد از اثبات جرم پرداخته و حقوق متهم در اسناد بین‌المللی تجزیه و بررسی شود. نظام طبقه‌بندی افراد بر اساس جنسیت در زندان، مظنون یا متهم و محکوم‌علیه بودن و برخورد متفاوت با آن‌ها، معیشت و تغذیه مناسب، وجود برنامه‌های ورزشی، خدمات صحی، بهداشتی و طبی، کار و تعلیم و تربیت، ارتباط



با خانواده، ادای مناسک دینی، اعطای مرخصی، رسیدگی به شکایات زندانیان و نظارت بر زندان‌ها و توقیف‌خانه‌ها و آزادی مشروط، از جمله حقوق متهم است. قانون زندان‌ها و توقیف‌گاه‌ها در نوع خود بهترین قانون است، ولی در زندان‌ها و توقیف‌گاه‌های افغانستان و به‌خصوص در ولایت‌ها، به دلیل نبود امکانات و جای کافی، این قانون به‌صورت کامل تطبیق نمی‌شود.

۱. مفهوم شناسی

۱-۱. متهم در لغت و اصطلاح حقوقی و قضایی

واژه متهم در لغت به معانی زیادی به کار رفته است. بدنام شده، تهمت‌زده شده، مظنون و ظنین، (دهخدا، ۱۳۴۳: ۳۸۳) گناهکار، مقصر، عملی خلاف به او نسبت داده شده (انوری، ۱۳۸۱، ۷: ۶۶۸) از جمله آن معانی است. متهم به شخصی اطلاق می‌شود که اتهام به او نسبت داده شده است؛ اما رسیدگی به جرم وی آغاز نشده و اگر آغاز شده به حکم قطعی منجر نگردیده است. یا کسی است که تهمت متوجه او است، ولی هنوز رسیدگی به جرم مورد تهمت شروع نشده و اگر شروع شده باشد، به رأی لازم الاجرا پایان نیافته است. پس از صدور حکم قطعی در مورد اتهام و احراز بزهکاری، او را مجرم گویند. (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۲: ۳۲۱۲)

متهم در قوانین به عنوان یک اصطلاح حقوقی قضایی، صراحتاً تعریف نشده است؛ اما اندیشمندان حقوق، این نقیصه را با تعاریفی که داشته‌اند، برطرف کرده‌اند که به چند نمونه اشاره می‌کنیم:

متهم کسی است که در مظان اتهام و ارتکاب جرم قرار گرفته است. یا هر فردی اعم از مباشر شریک و معاون که بر اساس دلایل یا قراین کافی نزد مقامات قضایی ارتکاب یک یا چند جرم به وی نسبت داده شده، متهم نامیده می‌شود. (آخوندی، ۱۳۸۲: ۱۰۱)

متهم شخصی است که در مظان ارتکاب جرم قرار گرفته؛ اما جرمی انتسابی به او محرز نگردیده و در دادرسی کیفری، طرف اصل دعوا قرار دارد. او به‌موجب اصل

برائت بی‌گناه محسوب می‌شود که اکثر تشریفات و مقررات و نگرانی‌ها در دادرسی کیفری به خاطر او است که به حق یا ناحق در مظان ارتکاب جرم قرار گرفته که ممکن است حیثیت و آبرو، آزادی اموال و سلامت جسمانی و حتی حیات خود را از دست بدهد. به همین دلیل باید امکانات کافی در اختیار او باشد تا بتواند از خود دفاع کند و در صورت بی‌گناهی از مجازات‌های یابد. (رحیمی نژاد، ۱۳۸۹: ۲۰۰)

مقصود از واژه متهم در این تحقیق، معنایی است که در ادبیات حقوقی غالب امروز از این واژه اراده می‌شود. متهم به این معنا اعم از مظنون و متهم است که در بیان قانون‌گذار افغانستان آمده است.

۱-۲. حقوق در لغت و اصطلاح

در تعریف لغوی حقوق آمده است: «حقوق جمع حق است و حق در لغت دلالت می‌کند بر ثبات و صحت چیزی و واجب کردن امری یا چیزی واقف شدن بر حقیقت امری. هم‌چنین حق به معنای راست، درست و ضد باطل، ثابت و واجب و کاری که البته واقع شود یقین، عدل، نصیب و بهره از چیزی، ملک و مال نیز آمده است. حقوق جمع حق ثابت که انکار آن روا نباشد». (دهخدا، ۱۳۴۳: ۷۳۷)

از حقوق در اصطلاح تعاریف متعددی شده است، از جمله گفته‌اند حقوق عبارت است از «مجموعه قواعدی که بر اشخاص از جهت اینکه در اجتماع هستند، حکومت می‌کند». (رحیمی نژاد، ۱۳۸۹: ۲۰۰)

۲. حقوق متهم قبل از اثبات جرم

اگرچه حقوق متهم قبل از اثبات جرم موضوع اصلی تحقیق نیست، ولی این بخش ارتباط مستحکمی با موضوع اصلی این تحقیق دارد. اگر کسی حقوق متهم را بعد از اثبات جرم بداند، باید حقوق متهم را قبل از اثبات جرم نیز بداند تا سلسله حقوق متهم، سیر و ترتیب منطقی خود را حفظ کند. به همین جهت ناگزیریم این بخش از حقوق را به خاطر عدم اطالۀ کلام فقط نام ببریم. از جمله گرفتاری متهم مستند به دلایل قانونی، حق داشتن وکیل مدافع، دادن حق سکوت برای متهم در مرحله



گرفتاری، حق حضور متهم و وکیل مدافع در جریان تلاشی منزل، حق رد سارنوال، حق حضور مظنون و وکیل مدافع او در جریان تحقیق، حق داشتن ترجمان در جریان محکمه، حق دسترسی به اوراق دوسیه و حق رد سارنوال و حق رد صلاحیت قضایی و برخی حقوق دیگر که مجموعاً حق متهم را قبل از اثبات جرم تشکیل می‌دهد.

۳. حقوق متهم بعد از اثبات جرم

بخشی از حقوق متهم بعد از اثبات جرم در محکمه است. بعد از این که جرم انتسابی به متهم در حضور قاضی به اثبات برسد، از این زمان به بعد متهم دارای حقوقی است که موضوع اصلی این تحقیق را بازتاب می‌دهد. اینک این حقوق را برشمرد و در حد ظرفیت این تحقیق، تحلیل می‌کنیم:

۱-۳. حفظ کرامت انسانی متهم

حفظ کرامت ذاتی، یکی از حقوق اصلی متهم است. با وجود اهمیت بالای مفهوم کرامت انسانی در قوانین ملی و بین‌المللی، از آن تعریفی ارائه نشده است. در اسناد بین‌المللی به جای کرامت انسانی معمولاً از حیثیت انسانی استفاده می‌شود. در منشور سازمان ملل متحد از کرامت به مثابه حیثیت و ارزش شخصیت انسان یاد شده است. در میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، حیثیت ذاتی انسان پایه و اساس دیگر حقوق قلمداد شده است.

در قانون اساسی افغانستان به این حق صراحتاً اشاره شده است:

آزادی حق طبیعی انسان است. این حق جز آزادی دیگران و منافع عامه که توسط قانون تنظیم می‌گردد، حدودی ندارد. آزادی و کرامت انسان از تعرض مصون است و انفکاک نمی‌پذیرد. دولت به احترام و حمایت آزادی و کرامت انسان مکلف است. (قانون اساسی، ۱۳۸۲: ماده ۶۶) آزادی و کرامت انسان از تعرض مصون است. دولت به احترام و حمایت آزادی و کرامت انسان مکلف است. (قانون اساسی افغانستان مصوب ۱۹۸۶ ماده ۶۱)

بر اساس مطالب فوق، می‌توان گفت که متهم به‌عنوان یک انسان، ذاتاً کرامت

دارد و این کرامت به وسیله یک جرم ارتكابی نباید زیر سؤال برود، بلکه بر اساس قانون بدون از بین بردن کرامت انسانی متهم و حتی مجرم، با او برخورد شود. تمام حقوقی که متهم دارد، در فرایند تحقیق محاکمه و اجرا باید مراعات شود. (محقق، ۱۳۹۷: ۱۰۳-۱۱۷)

۲-۳. حق اعتراض به فیصله محکمه

از آنجا که قضات عصمت ندارند و مانند دیگر افراد جامعه محل خطا و نسیان هستند، ممکن است در قضاوت و حکم دچار اشتباه شوند و مطابق واقعیت‌ها انشای رأی نمایند. بنابراین انصاف و عدالت حکم می‌کند که چاره‌ای برای تدارک و جبران اشتباهات و خطاهای قضایی سنجیده شود. حقوق دانان و نظام‌های قضایی با پیش‌بینی حق اعتراض و تجدیدنظر خواهی تلاش کرده‌اند تا حد امکان اشتباهات و خطاهای قضایی را جبران کرده و به حداقل برسانند. نهاد تجدیدنظر خواهی دو کارکرد دارد؛ از سویی رأی صادره محاکم بدوی را اصلاح می‌کند و از جانب دیگر نقش وقایه و پیشگیرانه دارد؛ زیرا تجدیدنظر در رأی قضایی باعث می‌شود تا قضات محاکم تحتانی با دقت و وسواس بیشتری اقدام به انشای رأی نمایند. (شجاع، ۱۳۷۲: ۱۵۲) این حق نیز در اسناد بین‌المللی به خوبی ترسیم و مورد پذیرش واقع شده است. در بند ۵ ماده ۱۴ میثاق چنین ترسیم شده است: «هر کس به خاطر ارتكاب جرمی محکومیت یافته، حق دارد که محکومیت و مجازات او از سوی دادگاه بالاتر موافق قانون، مورد رسیدگی مجدد واقع شود». این حق در قسمت هشتم بند ۲ ماده ۸ کنوانسیون امریکایی نیز پیش‌بینی شده است. کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر درباره این حق یا تضمین نیز ساکت است؛ اما ماده ۲ پروتکل شماره ۷ کنوانسیون، چنین سکوتی را جبران نموده و به تصریح تمام از ضرورت مراعات حق تجدیدنظر محکومان سخن گفته است.

۳-۳. حق داشتن ترجمان در جریان محکمه

اگر متهم زبان جاری در محکمه را نداند، باید برایش ترجمان تعیین شود. در این



مورد ماده ۱۳۵ قانون اساسی می‌گوید:

اگر طرف دعوی زبانی را که محاکمه توسط آن صورت می‌گیرد، نداند حق اطلاع به مواد و اسناد قضیه و صحبت در محکمه به زبان مادری توسط ترجمان برایش تأمین می‌گردد.

ماده ۲۰ قانون اجرائات جزائی موقت نیز می‌گوید:

در صورتی که مظنون یا متهم به زبان مورد استفاده و در تحقیقات یا محاکمه، آشنایی نداشته یا کر یا گنگ یا کر و گنگ باشد، برایش ترجمان تعیین می‌گردد تا او از جرم و ادعای که بالایش صورت گرفته، آگاهی حاصل نماید و هم‌چنین در جریان استنتاج و مقابله به او، کمک کند.

اسناد بین‌المللی نیز این حق را مورد توجه قرار داده است. از جمله در بند ۳ ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی در خصوص مرحله تحقیقات مقدماتی آمده است:

هرکس به ارتکاب جرمی متهم شود، باید در اسرع وقت به تفصیل و به زبانی که او بفهمد، از نوع و علل اتهامی که به او نسبت داده می‌شود، مطلع گردد. هم‌چنین در قسمت دیگری از این ماده که ناظر به مرحله رسیدگی در دادگاه است، آمده:

اگر متهم زبانی را که در دادگاه تکلم می‌شود، نمی‌فهمد یا نمی‌تواند به آن تکلم کند، حق دارد که یک مترجم به صورت مجانی به او کمک کند.

۳-۴. حق تفکیک زندان برای متهم

بعد از اینکه جرم شخص متهم به اثبات رسید، اگر حکم صادره زندان باشد، زندانی حق دارد در شرایط خاصی که برای زندانی تعریف شده، از آن بهره‌مند شود. زندان که امروزه در کشورهای متمدن جهان معمول‌ترین مجازات به شمار می‌آید، از دیرگاه مورد استفاده بشر بوده است. روشن است که زندان‌ها اقسامی دارد که محکوم یا متهم باید بر اساس جرم ارتكابی در زندانی که مناسب او است، حبس شود. هر زندانی وقتی وارد محیط زندان می‌شود، دارای حقوق مادی و معنوی است.

درواقع هدف از مجازات یک فرد، اصلاح و بازگرداندن وی به جامعه است. نباید بنا بر یک گزارش نادرست و حتی درست، کرامت انسانی کسی خدشه‌دار شود. در زندان‌ها و توقیف‌خانه‌های افغانستان، هرچند کوشش‌های زیادی شده که تا حد امکان کرامت انسانی حفظ شود، ولی با آن‌هم مواردی از آزار و اذیت زنان در زندان‌ها و توقیف‌خانه‌ها شنیده می‌شود.

بر اساس قوانین موجود، هر زندانی در زندان حقوقی دارد که باید آن حقوق در مورد زندانی مراعات شود. این حقوق مانند حفظ کرامت انسانی مجرم، رعایت مسائل بهداشتی و صحتی، آزادی عبادت و مناسک دینی و مذهبی، تغذیه سالم و مناسب، حق آموزش، حرفه و فن و حق ملاقات است. بند ۳ ماده ۱۰ میثاق بین‌المللی در این باره می‌گوید:

نظام زندان متضمن رفتاری با محکومین خواهد بود که هدف اساسی آن اصلاح و اعاده حیثیت اجتماعی زندانیان باشد. صغار بزهکار باید از بزرگسالان جدا بوده و تابع نظامی متناسب با سن و وضع قانونی‌شان باشند.

۳-۵. حق بهره‌مندی از قوانین سبک‌تر

قانون اخف یا خفیف‌تر، قانونی است که اجرای آن به نفع متهم باشد. ممکن است قانون اخیر مجازات عملی را در مقایسه با قانون قبلی تقلیل داده باشد، یا عنوان و وصف جرمی را از عمل سلب کرده باشد یا به جای مجازات برای آن عمل، تدابیر امنیتی پیش‌بینی کرده باشد. در این گونه موارد اصولاً قانون جدید عطف به ماسبق می‌شود و نسبت به کسانی که در زمان نفاذ قانون سابق مرتکب جرم شده‌اند، نیز جاری می‌شود. فقره ۲ ماده ۲۱ قانون جزا ناظر به همین موضوع است. با این وجود باید تصریح نمود که این قاعده در مورد قوانین موقتی جاری نمی‌شود؛ زیرا قوانین موقتی، تابع مصالح خاص زمان وضع قانون است. (کود جزای افغانستان)

۳-۶. منع افشای معلومات

در مورد محاکمه متهم باید گفت که مقررات اصول محاکمات کیفری باید به گونه‌ای



تنظیم شود که علاوه بر رعایت حقوق جامعه، بی‌گناه را نیز در اثبات بی‌گناهی خود یاری کند. در میان انبوه قوانین، قوانین کیفری به‌طور قطع و بالاخص مقررات مربوط به اصول محاکمات کیفری نقش عمده‌ای در بقا و دوام نظم جامعه ایفا می‌کند. تعقیب و محاکمه و صدور حکم محکومیت درباره بزه‌کاران، درعین حال ممانعت از صدمه به حقوق آنان، حفظ حیثیت افراد شریف و پاک‌دامن، جلوگیری از صدور محکومیت‌های ناروا که از اهم اهداف اصول محاکمات کیفری است، همه ارتباط دقیق با نظم جامعه و نظم بین‌المللی دارد.

اگر چه متهم از نظر قوانین ناقض قوانین به حساب می‌آید، ولی این به آن معنا نیست که هرچه در مورد متهم بدانیم آن را می‌توانیم افشا کنیم. به همین جهت آن بخشی که ربط مستقیم به جرم ندارد، نباید به‌عنوان راز متهم منتشر و افشا شود. لذا منع افشای معلومات مظنون و متهم، نیز یکی از حقوق آنان است که مطابق ماده ۱۳۴ قانون اجرائات جزایی جدید، چنین صراحت دارد:

پلیس امنیت ملی و سارنوالی مکلفند که از افشای محتویات اوراق و معلوماتی که در اثنای اجرای وظیفه یا از اثر اجرای آن به دست آورده‌اند، خودداری نمایند. شخصی که حین تفتیش یا سایر اجرائات تعقیب عدلی، راجع به محتوای اوراق، اشیا و اشخاص اطلاعاتی را کسب می‌کند، اگر آن‌ها را به فرد دیگری غیر از نهادهای عدلی و قضایی منتقل کرده یا به طریقی از آن سوءاستفاده کند، بر اساس احکام قانون، مجازات خواهد شد.

۷-۳. حق دفاع

یکی از حقوق متهم دفاع متهم از وارد شدن جرم انتسابی است. متهم در مراحل مختلف حق دفاع دارد به همین جهت در مرحل محاکمه و بعد از اثبات جرم که سرنوشت‌سازترین مرحله است، قانونگذار برای متهم حق دفاع قائل شده است. حق گرفتن وکیل مدافع برای شخص گرفتار شده در مراحل سه‌گانه «گرفتاری، تحقیق و محاکمه» ضروری است.

نقش وکیل در هر مرحله به خصوص نقش وکیل مدافع در مرحله محاکمه مظنون



مهم است؛ زیرا مظنون از حقوق که قانون برایش داده، در این مرحله حساس که شاید از جانب پلیس نقض گردد، باید از سوی وکیل حمایت شود. تنها کسی که این حقوق را نظارت می‌کند، وکیل مدافع است؛ زیرا او به مسائل قانونی آشنایی دارد. در حالی که مظنون از حقوق قانونی خویش در مرحله گرفتاری آگاهی ندارد یا اگر می‌داند، حقوق او از جانب پلیس با زور و اجبار نقض می‌گردد. لذا تنها وکیل مدافع است که از نقض حقوق مظنون جلوگیری می‌تواند. قانون در این مورد، می‌گوید:

پلیس، سارنوال و محکمه مکلفند معلومات واضح را در وقت گرفتاری و قبل از استنطاق راجع به حق سکوت و حق تعیین وکیل مدافع در تمام مراحل، حق حضور در هنگام تفتیش و مقررات شناسایی مجرمین از طریق صف کشیدن، معاینات اهل خبره و محاکمه برای مظنون و متهم ارائه کند.

در قانون اساسی در ماده ۹۱ آمده است: «هر شخصی می‌تواند برای دفع اتهام به مجرد گرفتاری یا برای اثبات حق خود، وکیل مدافع تعیین کند». قانون اجرائات جزایی مصوب ۱۹۳۹ نیز در ماده ۱ بند ۸ ضمن بیان حقوق مظنون و متهم، می‌گوید: «تعیین وکیل مدافع یا داشتن مساعد حقوقی مطابق احکام قانون از جمله حقوق متهم است».

در اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز به مسئله دفاع توجه شده و آمده: «هرکس بی‌گناه محسوب می‌شود، مگر اینکه در جریان محاکمه که همه تضمین‌های لازم برای دفاع تأمین شده باشد، مقصر شناخته شود». پس تا زمانی که فرصت دفاع برای متهم داده نشود، قانوناً شخص مجرم به حساب نمی‌آید. در ماده ۱۱ این اعلامیه آمده است:

هرکس که به بزهکاری متهم شده باشد، بی‌گناه محسوب خواهد شد تا وقتی که در جریان یک دعوای عمومی که در آن کلیه تضمین‌های لازم برای دفاع او تأمین شده باشد و تقصیر او قانوناً محرز گردد.

بنابراین حق دفاع از حقوق حیاتی و مسلم متهم است که در اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای تصریح و از سوی نهادهای ناظر بین‌المللی تفسیر و تکمیل شده است.

۸-۳. حق محاکمه شدن بدون تأخیر نامعقول

قضیه نسبتی مظنون و متهم باید مدت‌ها مسکوت نماند؛ زیرا ساکت ماندن دوسیه



آن‌هم که مظنون و متهم در توقیف و سلب آزادی به سر می‌برد، یک نوع جزا است. ماده ۳۱ قانون اساسی می‌گوید: «متهم حق دارد به مجرد گرفتاری از اتهام منسوب اطلاع یابد و در داخل میعادى که قانون تعیین می‌کند، در محکمه حاضر گردد». پیرامون حق دادرسی بدون فوت وقت بخش سوم بند ۳ ماده ۱۴ میثاق بیان می‌دارد که فرد متهم با انجام جرم باید بدون فوت وقت محاکمه شود.

همچنین از دید کمیته حقوق بشر سازمان ملل، بین تضمین در نظر گرفته شده در بند ۳ ماده ۱۴ میثاق و آنچه در بند ۳ ماده ۹ آن در ارتباط با دادرسی اشخاص بازداشت شده در بازه زمانی معقول آمده، فرقی وجود ندارد و عدم رعایت یکی به مثابه عدم رعایت دیگری است.

۹-۳. حق منع محاکمه مجدد

ممنوعیت محاکمه مجدد به این معنا است که به دلیل ارتکاب یک جرم، نمی‌توان متهم را دو بار مجازات کرد. از شرایط امر مختومه در حوزه حقوق جزا این است که باید میان جرم ارتكابی با جرمی که مورد محاکمه قرار می‌گیرد، وحدت موضوع، وحدت متهم، وحدت شاکی و وحدت زمان وجود داشته باشد. اگر این شرایط موجود بود، اعتبار امر مختومه معتبر و مستند خواهد بود. (آخوندی، ۱۳۸۲: ۲۷)

فلسفه قطعیت اعتبار امر مختومه این است که زمانی که به دعوی جزایی رسیدگی شد و درباره آن فیصله یا قرار صادر شد، امکان تعقیب متهم به دلیل ارتکاب همان جرم وجود ندارد؛ زیرا مفروض است که پیرامون آن دعوی جزایی رسیدگی استاندارد و معیاری صورت گرفته است و منجر به صدور رأی یا قرار شده است. بنابراین مراجع جزایی صلاحیت رسیدگی مجدد را ندارند. البته مواردی را که خود قانون بدان اذعان نموده است، استثنا شمرده می‌شود.

۱۰-۳. حق محاکمه علنی

حق رسیدگی علنی، از دیگر حقوق متهم محسوب می‌شود تا مقام قضایی بداند عملکردش در زیر ذره‌بین رسانه‌ها و شهروندان قرار دارد و با دقت هر چه تمام‌تر، به ایفای وظایف خود پردازد. دستگاه قضایی اگر بخواهد حکم شفاف و روشن صادر



کند، باید محاکمه را علنی برگزار کند؛ زیرا در این صورت هم حاضرین نسبت به دفاع و صدور کیفرخواست می‌توانند قضاوت کنند و هم در صورتی که این محاکمه رسانه‌ای شود، مردم عادی نیز می‌توانند از دور نظارت داشته باشند. در این صورت قضاوت و رفتار محکمه در معرض دید و نظارت مردم و رسانه‌ها قرار می‌گیرد که یک ضمانتی برای اجرای محاکمه عادلانه خواهد بود، ولی اگر محاکمه دور از انظار مردم و بدون نشر در رسانه‌ها صورت بگیرد، احتمال اینکه حقوق متهم نادیده گرفته شود، بسیار زیاد است. علنی بودن محاکمه یکی دیگر از تضمین‌های دادرسی عادلانه است که در اسناد جهانی و منطقه بدان اذعان شده است.

مراد از علنی بودن دادرسی آن است که آحاد ملت بتوانند در جلسه دادرسی شرکت کنند و جریان دادرسی را از نزدیک مشاهده نمایند. برگزاری علنی محاکمه می‌تواند وسیله حمایت از متهم باشد تا او را به صورت سری و مخفیانه محاکمه نکنند. دیگر اینکه با علنی برگزار شدن دادرسی، افکار عمومی ناظر و شاهد جریان محاکمه خواهند بود و قضات و سارنوالان و وکلای مدافع تلاش می‌کنند تا قوی‌تر و محکم‌تر استدلال کنند. امکان دارد در موارد خاص برخی دادرسی‌ها غیرعلنی برگزار شود؛ مانند پرونده‌های منافی اخلاق و عفت یا امنیتی که این‌گونه موارد استثنا و با صلاح دید قانون و محاکم است.

۱۱-۳. حق محاکمه توسط محکمه صالح و بی طرف

از ویژگی‌های دادرسی عادلانه، مراعات قاعده هم‌ترازی است که پایه و اساس آن در قاعده برابری در محاکمه نهفته است. تمام افراد جامعه بدون تفکیک و تبعیض حق دسترسی برابر به محاکم باید داشته باشند. اصل یاد شده به برابری طرفین دعوا بازمی‌گردد. با طرفین دعوا باید به شیوه‌ای برخورد شود که برابری و بی‌طرفی محکمه تضمین شود. فلسفه قاعده هم‌ترازی حقوق، در اصل برابری و عدالت نهفته است.

۱۲-۳. حق تقاضای جبران خسارت به دلیل اجرای نادرست عدالت

در صورتی که شخص به وسیله رأی دادگاه متضرر گردد و مدتی را بدون دلیل موجه



در زندان یا بازداشتگاه به سر ببرد، این شخص حق دارد خواهان جبران خسارت از محکمه شود و زیان خود را بر اساس قانون از محکمه مطالبه کند. قانون اجرائات جزایی در فقره ۱۰ ماده هشتاد و سوم خود می‌گوید:

در صورتی که محکوم‌علیه بر اساس تجدیدنظر براءت حاصل کند، محکمه متشکل از غیر قضات اولی، حکم اعاده مصارف اجرائات و سایر مصارفی که محکوم‌علیه به پرداخت آن در نتیجه حکم قبلی مکلف گردیده است، صادر می‌کند. در صورت فوت محکوم‌علیه، مصارف به ورثه وی پرداخته می‌شود. بی‌تردید «قاضی مثل هر انسان دیگری جایز الخطا است؛ زیرا بشر به‌طور طبیعی مخلوقی است که در معرض خطا و نسیان است و امکان اشتباه از طرف هرکسی بدون توجه به جایگاه اداری، اجتماعی، علمی و... می‌رود». (اردبیلی ۱۳۸۲: ۲۵۰)

۱۳-۳. حق سکوت

حق سکوت یکی دیگر از حقوق متهم است؛ یعنی وی در محکمه می‌تواند سکوت اختیار کند. در میثاق‌های بین‌المللی نیز حق سکوت به رسمیت شناخته شده است. سکوت در لغت خاموشی و خودداری از حرف زدن است. در مفهوم حقوقی نیز سکوت یعنی عدم اعلان اراده صریح باطنی و امری سلبی است.

در قوانین بین‌المللی به‌خصوص اسناد حقوق بشری به حق متهم که بتواند آزادانه انتخاب کند و از جواب به سؤالات امتناع کند، توجه ویژه‌ای شده است. در بند ۳ ماده ۱۴ میثاق آمده است:

هرکس متهم به ارتکاب جرمی شود، حق دارد که با تساوی کامل از حداقل حقوق تضمین شده زیر برخوردار گردد: ... مجبور نشود که علیه خود شهادت دهد یا به مجرم بودن اعتراف کند. متهم هیچ وظیفه‌ای در همکاری با مقامات قضایی و اعلام حقایق به آن‌ها ندارد، بلکه این مقام تعقیب دعوی عمومی است که در صورت ایراد اتهام به افراد، باید ادله کافی علیه آن اشخاص جمع کند و نمی‌تواند از طرف دعوی خود (متهم) انتظار همکاری داشته باشد و او را مجبور به اظهار واقعیت‌ها کند. (صابر محمود، ۱۳۹۷: ۲۴۲)

۱۴-۳. حق درخواست عفو

سازوکار عفو عمومی یا خصوصی به‌عنوان یکی از عوامل سقوط مجازات می‌تواند جلوه‌ای دیگری از حقوق متهم و محکوم باشد. در اکثر کشورها، عفو به‌عنوان یکی از حقوق متهم یا محکوم وارد قانون شده است. هر کشوری به‌تناسب نظام و سیستمی که دارد، از گزینه عفو استفاده می‌کند که تعیین قلمرو و شرایط عفو به‌عهده قانونگذار هر کشور است. معمولاً در اکثر کشورها مقام اجرایی یا مقام رهبری در ایام و مناسبت‌هایی چون روز استقلال و پیروزی یا ایام عید و جشن‌ها با استفاده از مجوز قانونی، تعدادی را مورد عفو یا تخفیف مجازات قرار می‌دهد. این کار نمادی از کيفرزدایی و نشانی از رأفت مقام قضایی یا رهبری یک جامعه را به نمایش می‌گذارد. (بارانی، ۱۳۹۸: ۵۰)

عفو در قانون جزای افغانستان به عفو عمومی و خصوصی تقسیم شده است که هر دو مورد می‌تواند محکوم‌علیه را از کيفر تبرئه یا مشمول تخفیف مصرح در قانون کند. شخص رئیس‌جمهور می‌تواند بر اساس قانون از گزینه عفو که در صلاحیتش قرار داده شده، کيفرزدایی کند.

۱۵-۳. حق منع شکنجه

یکی دیگر از حقوق متهم حق منع شکنجه است که در بیانیه حقوق بشر اسلامی مصوب ۵ اوت ۱۹۹۰ قاهره هم تأیید شده است. در ماده بیستم این اعلامیه آمده است: دستگیری یا محدود ساختن آزادی یا تبعید یا مجازات هر انسانی جایز نیست، مگر به مقتضای شرع و نباید او را شکنجه بدنی یا روحی کرد یا با او به‌گونه‌ای حقارت‌آمیز یا سخت یا منافی حیثیت رفتار کرد. همچنین اجبار هیچ فردی برای آزمایش‌های پزشکی یا علمی جایز نیست، مگر با رضایت وی و مشروط بر اینکه سلامتی و زندگی او به مخاطره نیفتد. همچنین تدوین قوانین استثنایی که به‌قوة اجرائیه چنین اجازه‌ای را بدهد، جایز نیست.

توجه دیگری که منع شکنجه را به‌مثابه یک اصل حقوق بین‌الملل عمومی تأیید می‌کند، تعداد اسناد حقوقی داخلی ممالکی است که آن را پذیرفته‌اند. تفحص



و جستجو در اسناد حقوقی داخلی این ممالک نشان می‌دهد که در ۱۱۲ کشور، اسناد حقوقی به‌طور صریح یا ضمنی استفاده از شکنجه را ممنوع اعلام کرده است. افغانستان هم مشمول کشورهای یاد شده است. قرارداد منع شکنجه ۱۰ دسامبر ۱۹۸۴ م. مصوب سازمان ملل در تعریف شکنجه می‌گوید:

واژه شکنجه به هر عملی اطلاق می‌شود که عمداً درد یا رنج‌هایی جانکاه جسمی یا روحی به شخص وارد آورد. خاصه به‌قصد اینکه از این شخص یا شخص ثالث اطلاعات یا اقرارهایی گرفته شود یا به اتهام عملی که این شخص یا شخص ثالث مرتکب شده یا مظنون به ارتکاب جرم است متنبه گردد یا این شخص و شخص ثالث مرعوب یا مجبور شود یا به هر دلیل دیگری که مبتنی بر شکلی از اشکال تبعیض باشد و منوط بر اینکه چنین درد و رنج‌هایی به دست کارگزار دولت یا هر شخص دیگری که در سمت رسمی مأمور دولت بوده است یا به ترغیب یا رضای صریح یا ضمنی او تحصیل شده باشد.

۱۶-۳. حق داشتن مترجم

یکی دیگر از حقوق متهم که باید مراعات شود داشتن مترجم است؛ زیرا لازمه آگاهی از تمام حقوق و دسترسی به محتوای پرونده، آشنای و فهم زبان بازپرس و مقام قضایی است. در صورتی که متهم آشنایی به زبان قضایی نداشته باشد، این حق را دارد که زبان مذکور برای وی ترجمه و تفهیم شود. این حق به‌صورت مطلق باید در تمام مراحل رسیدگی رعایت گردد.

اسناد بین‌المللی این حق را مورد توجه قرار داده، از جمله در بند ۳ ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی در خصوص مرحله تحقیقات مقدماتی آمده است: که هرکس متهم به ارتکاب جرمی شود باید در اسرع وقت به تفصیل و به زبانی که او بفهمد از نوع و علل اتهامی که به او نسبت داده می‌شود، مطلع گردد. هم‌چنین در قسمت دیگری از این ماده که ناظر به مرحله رسیدگی در دادگاه است، آمده:

اگر متهم زبانی را که در دادگاه تکلم می‌شود، نمی‌فهمد یا نمی‌تواند به آن تکلم

کند، حق دارد که یک مترجم مجانی به او کمک کند.

ماده ۱ بند ۱۱ و ماده ۱۱ قانون اجرائات جزایی افغانستان نیز این حق را برای طرفین دعوا پیش‌بینی نموده می‌گوید:

پلیس، سارنوالی، محکمه مکلف است برای مجنی‌علیه مظنون یا متهمی که زبان مورد استفاده در اجرائات تعقیب عدلی را نداند یا کر یا گنگ و یا کر و گنگ باشد، زمینه حضور ترجمان را میسر سازند. برای اشخاص بی‌بضاعت در احوال مندرج ماده دهم این قانون، با مصرف دولت ترجمان استخدام می‌گردد.

نتیجه‌گیری

متهم عبارت است از شخصی که در مظان ارتکاب جرم قرار گرفته؛ اما جرمی انتسابی به او محرز نگردیده و در دادرسی کیفری طرف مهم و اصل دعوا قرار دارد. چنین فردی در زمان طی مراحل کیفری و محاکمه، از حقوق خاصی برخوردار است. حقوق متهم عبارت است از مجموعه امتیازات و امکاناتی که در یک دادرسی منصفانه از بدو اتهام تا صدور حکم، متهم از آن‌ها برخوردار باشد تا بتواند در مقابل ادعایی که برخلاف فرض برائت، علیه او مطرح شده است، از خود دفاع کند. باید توجه داشت که متهم یک انسان است و انسان کرامت ذاتی دارد. لذا نباید با او به گونه‌ای برخورد شود که کرامت انسانی‌اش زیر سؤال برود یا باعث تحقیر و توهین او گردد. قوانین داخلی کشورها و مقررات بین‌المللی در تمام مراحل دادرسی از زمان توجیه اتهام و دستگیری فرد متهم تا زمان محاکمه و بعد از محاکمه برای متهم حقوقی را تعریف کرده است که این حقوق در بعد داخلی با مقررات بین‌المللی شباهت فراوان دارد می‌توان گفت که قوانین و مقررات داخلی و خارجی، الهام و تأثیرگذاری از همدیگر داشته است. ممکن است در نحوه بیان و انتخاب عناوین تفاوت‌هایی داشته باشد، ولی تمام حقوقی که برای متهم در نظر گرفته شده است، با همدیگر در تعارض نبوده و مؤید همدیگر است.

تفاوت‌های جزئی از خاصیت هر قوانین نسبت به قوانین دیگر است؛ مثلاً یکی



از حقوق متهم تجدیدنظر خواهی است. تجدیدنظر خواهی که در قوانین افغانستان به کار می‌رود با تجدیدنظر خواهی در قوانین و اسناد بین‌المللی متفاوت است؛ زیرا تجدیدنظر خواهی به معنای عام آن که در قوانین خارجی منظور است، همان مطلق اعتراض به احکام صادره محکمه پایین است. بدین معنا که شخص متضرر از حکم صادره در صورت اعتراض به حکم محکمه تالی می‌تواند به محکمه مافوق اعتراض کند که این اعتراض در حقوق افغانستان معادل استیناف خواهی است. در حالی که تجدیدنظر خواهی در اصطلاح حقوق افغانستان، معادل اعاده دادرسی در حقوق ایران است. تجدیدنظر خواهی در حقوق سایر کشورها در مورد احکام غیر نهایی قابل صدق است در حالی که تجدیدنظر خواهی در قوانین افغانستان، اعتراض علیه احکام قطعی محاکم است که در ستره محکمه صورت می‌گیرد. به این معنا که یک حکم ولو نهایی و قطعی شده باشد، ولی به خاطر ظهور دلایل جدید و شواهد قانع کننده، باید مورد تجدیدنظر قرار بگیرد. مثلاً در موقع محاکمه سند و مدرکی مفقود بوده حالا به دست آمده یا مثلاً شخصی به جرم قتلی محکوم شده است، ولی مقتول فرضی زنده پیدا می‌شود. در این صورت چاره‌ای نیست جز اینکه در ستره محکمه حکم صادره قبلی دوباره مورد بررسی و تجدیدنظر قرار بگیرد.

بنابراین حقوق متهم در قوانین داخلی افغانستان و مقررات بین‌المللی به خوبی توانسته است از عهده حقوق متهم برآید، جز اینکه تفاوت حقوق متهم در قوانین داخلی افغانستان بیشتر الهام گرفته از فقه حنفی و شرع است و مواردی نیز از حقوق عرفی بهره برده است، ولی مبنای حقوق متهم در مقررات و اسناد بین‌المللی بیشتر ناشی از عقل و خرد جمعی است که حاصل تلاش و تجربه حقوق دانان است که به مرور زمان حقوق متهم را پرورش داده تا به شکل امروزی درآمده است.

فهرست منابع

الف. کتاب

۱. آخوندی، محمود، (۱۳۸۲)، *آیین دادرسی کیفری*، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۲. اردبیلی، محمدعلی، (۱۳۸۲)، *حقوق جزای عمومی*، نشر میزان، جلد اول، چاپ پنجم.
۳. آشوری، محمد، (۱۳۷۶)، *عدالت کیفری*، (مجموعه مقالات) تهران: گنج دانش.
۴. انوری، حسن، (۱۳۸۱)، *فرهنگ بزرگ سخن*، تهران: نشر سخن.
۵. دهخدا، علی اکبر، (۱۳۴۳)، *لغتنامه دهخدا*، تهران، انتشارات دانشگاه، چاپ اول.
۶. رحیمی نژاد، اسماعیل، (۱۳۸۹)، *کرامت انسان در حقوق کیفری*، تهران: نشر میزان.
۷. لنگرودی، محمدجعفر، (۱۳۷۲)، *مبسوط در ترمینولوژی حقوق*، ج ۴، شماره ۳۲۱۲

ب. قوانین

۸. قانون جزای افغانستان
۹. اعلامیه جهانی حقوق بشر
۱۰. قانون اجرائات جزایی افغانستان
۱۱. اعلامیه اسلامی حقوق بشر مصوب ۵ اوت ۱۹۹۰
۱۲. کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر
۱۳. قانون اساسی افغانستان
۱۴. قانون میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی حقوق بشر
۱۵. قانون مبارزه علیه مواد مخدر

ج. مقالات و پایان‌نامه‌ها

۱۶. انوری، حسن علی، (۱۳۹۳)، تجدید نظر قضایی از منظر فقه امامیه و حقوق افغانستان، پایان‌نامه ماستری.
۱۷. بارانی بیرانوند، امیر، (۱۳۹۸)، «ماهیت کیفرزدایی و گستره آن در قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح»، نشریه علمی دانش انتظامی لرستان، دوره ۷، شماره ۲۵.
۱۸. شجاع، سلطانعلی، (۱۳۷۲)، طرق شکایت از احکام و قرارها، در حقوق کیفری ایران، (پایان‌نامه کارشناسی ارشد) شهید بهشتی.
۱۹. محقق، نعمت‌الله، (۱۳۹۷)، «مبانی حقوق دفاعی متهم در مرحله تحقیق در حقوق افغانستان و مصر»، دوفصلنامه معارف اسلامی و حقوق جزا و جرم‌شناسی، بهار و تابستان، شماره ۶ (ص ۱۰۳ تا ۱۱۷)



